

سیاسی

نابناک

هاشمی رفسنجانی،

مرد همیشه انقلابی*

درگذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی از بزرگترین ضایعه‌ها برای ایران و انقلاب اسلامی پس از رحلت امام خمینی است. او یکی از محبوب‌ترین چهره‌های انقلابی در بین مردم ایران بود که اکثر مسئولیت‌های خود را در کشورداری با کسب رای مردم بدست آورد. او تا آخرین لحظه زندگی انقلابی باقی ماند و اغلب در کنار مطالبات و خواسته‌های اکثریت مردم ایران بود. او در دوران رژیم شاهنشاهی مصیبت‌های حاکمیت سلطانی و استبدادی را بخوبی درک کرد و در راه آزادی ملت ایران بارها به زندان افتاد.

هاشمی نیل به آزادی و حاکمیت ملی را بکارگیری تفکر اسلامی در رفتار انسانی می‌دانست و اندیشه‌های خود را از قرآن و مکتب اهل بیت علیهم السلام اتخاذ می‌کرد. در دوران اختناق و دیکتاتوری، تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفت و مقاومت مثال زدنی از خود نشان داد و هیچگاه مایوس نشد. در دوران طاغوت، حامی زندانیان سیاسی بود و به خانواده‌های آنها کمک می‌کرد. همواره دارای مخالفین و دشمنانی بود که از وجود او دل خوشی نداشتند و او را در لبه تیز محلات خود قرار می‌دادند.

در سال‌های اخیر، هاشمی رفسنجانی تحت عظیم‌ترین فشارهای روحی و تبلیغاتی برای ساکت ماندن و رانده شدن، به انزوا قرار گرفت ولی او همچنان در میدان باقی ماند و صحنه تاثیرگذاری در جامعه را ترک نکرد. گرچه چند سالی بودکه مردم دیگر سخنان و صدای او را از خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران نمی‌شنیدند ولی آزادخواهان، با اشتیاق بیشتری به دیدگاه‌های او که در جمع‌های محدودی بیان می‌شد از طریق شبکه‌های مجازی و اجتماعی توجه می‌کردند. در هیچ مقطعی از حوادث دوران چهل ساله اخیر ایران جای او خالی نیست. در سرنگونی نظام سلطنت، در شورای انقلاب، در برپایی جمهوری اسلامی، در تدوین قانون اساسی، در مجلس شورای اسلامی، در دفاع مقدس، در پایان دادن به جنگ تحمیلی، در انتخاب رهبری پس از رحلت امام خمینی، در سازندگی کشور پس از جنگ، در دوران ریاست جمهوری، در مجلس خبرگان، در مجمع تشخیص مصلحت نظام و در نامزدی برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ که با رد صلاحیت و رفتار بزرگوارانه و نجیبانه، باعث روی کار آمدن دولت تدبیر و امید شد، نقش او بسیار برجسته است. نام هاشمی رفسنجانی با مبارزات اصام خمینی پیوند خورده است و امام خمینی در تمامی دوران حیات خود به شدت از ایشان حمایت می‌کرد و همواره مورد اطمینان رهبر انقلاب اسلامی بود.

آیت الله هاشمی رفسنجانی در سال‌های اخیر نگران انحراف مسیر انقلاب از آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی بود و تلاش می‌کرد تا اشکالات رفتاری را به دست اندرکاران بنمایاند. او نگران آن بود که انقلاب به دست نا اهلان و نامحرمان بیفتد و نسل جدید، زیبایی‌های انقلاب را که در آراء مردم و حاکمیت اسلام متجلی می‌شود نبینند. درگذشت او در اوج عزت، ثلمه بزرگی برای مردم ایران است که البته با رحمت واسعه الهی التیام خواهد یافت. زیرا خداوند می‌فرماید: ما ننسخ من آیه او ننسها نات بخیر او مثلها، عاش سعیدا و مات سعیدا

* حسین علایی

رد صلاحیت روحانی معنایی ندارد

عضو ارشد جامعه روحانیت مبارز در خصوص میزان موفقیت حسن روحانی در انتخابات پیش رو گفت: نمی‌دانم، چون ارزیابی در انتخابات در ایران دوسه روز آخر است، یعنی هیچ قابل پیش بینی نیست. حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی دوشنبه در پاسخ به سوالی در خصوص طرح مساله رد صلاحیت روحانی از سوی برخی افراد اظهار داشت: در رابطه با آقای روحانی چنین فکری نمی‌کنم. این که رد صلاحیت شود معنایی ندارد و افرادی که به این مساله دامن می‌زنند به دنبال ایجاد اختلاف هستند وگرنه دلیلی ندارد. وی با توجه به وحدت و انسجامی که بین طیف‌های مختلف از جمله اصولگرایان و ایجاد شده و حمایت‌های جامعه روحانیت مبارز از این طیف، در ارزیابی انتخابات پیش رو گفت: به هر حال اصولگرایان امیدوارند که این تلاش‌ها را می‌کنند و کسی تلاش بيمورد نمی‌کند؛ طبعاً امید دارند که موفق شوند لذا همکاری در گذشته هم آثاری داشته است. ابراهیمی گفت: ممکن است این همکاری در شرایطی شدت و ضعف داشته باشد اما وحدت چیزی است که می‌تواند طیف اصولگرا را موفق کند و تلاش‌های اصولگرایان برای این است که به موفقیت برسند. وی افزود: اصولگرایان اصولی دارند و نام اصولگرایی به این معناست که معیار و ملاک دارند. قبلاً این ملاک‌ها توسط جامعین تنظیم شده و در همان منشور جامعین که قبلاً داده شده طبعاً کسی که باید انتخاب شود باید سلیبات را نداشته باشد و مثبت‌ها را داشته باشد.

چرا هاشمی هاشمی شد؟

از نوگرایی و شجاعت تا آرامش و تسلط بر عواطف

نو و متفاوت منجر نمی‌شود که در بسیاری از موارد به انزوی آن فرد می‌انجامد. به قول ارسطو، علاوه بر باور و رویکرد، اراده و جسارت به اقدام هم لازم است تا کسی اقدامی متناسب با باور خود انجام دهد. هاشمی هم تلقی متفاوتی از خود و روزگارش داشت و هم آن اندازه شجاع بود که همفکران خود را بیابد و همراه با آنان با وضع موجود درافتد و تلاش کند جامعه را به سوی آنچه می‌خواهد ببرد.

قدرت تمرکز بالا: انسان برای فهم دقیق و روشن از امور به ذهنی نیاز دارد که توان تحلیل زیادی داشته باشد. هر چه این توان بالاتر باشد، فرد قدرت تجزیه بیشتری دارد. معمول انسان‌ها نمی‌توانند یک مسأله را بیشتر از یکی دو لایه بشکافند؛ اما انسان‌های استثنایی توان بیشتری در این زمینه دارند.

نگاه راهبردی: توانایی برای شکافتن و بازشکافتن مسائل، معمولاً افراد را متخصص یا فوق‌تخصص در امور معینی می‌کند. در جهان جدید، ما با فوق‌تخصص‌های زیادی در امور مختلفی روبه‌رویم که اطلاع و اشرافشان بر مسائل و حوزه‌های دیگر بسیار محدود و سطحی است و به همین علت، معمولاً نمی‌توانند تحلیل درستی از وضعیت کلی خود یا محیطشان ارائه دهند و یا تصمیم درستی بگیرند یا پیشنهاد دهند؛ اما افرادی که دارای نگاه کلان و فراگیرند، می‌توانند تحلیل دقیق از موارد جزئی را به زمینه بزرگتری بربند و تفسیر کلان‌تری از آن داشته باشند و تصمیم مناسب‌تری برای آن پیشنهاد کنند یا بگیرند.

هاشمی در تمام عمرش نشان داد بر عواطف خود تسلط دارد

تسلط بر عواطف و احساسات: سیاست، نزدیک‌ترین دانش و فن به ریاضی

کمتر ایرانی هست که دیروز به وفات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی واکنشی نشان نداده باشند و اغلب این واکنش‌ها باید همراه با تأثر باشد. حتی کسانی که جهان-تصویرشان با جهان-تصویر ایشان تفاوت اساسی دارد، و بنا بر این از منتقدان او بوده‌اند، هم تأثر خود را از این امر نشان داده‌اند؛ بنا بر این، نقش و تأثیر وی بر ایران دهه‌های کنونی استثنایی است. پرسش این است که چرا؟ چه چیزی باعث شد که آقای هاشمی به چنین موقعیتی برسد؟ وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران؛ روابط تحصیلی و علمی آقای هاشمی؛ اندیشه‌ها و سابقه سیاسی ایشان؛ و اعتماد خاص بنیان‌گذار انقلاب به او از جمله مهم‌ترین علت‌های این امر است. اما شخص آقای هاشمی ویژگی‌هایی داشت که باعث می‌شد بنیان‌گذار انقلاب به وی اعتماد کند. همچنین، این ویژگی‌های شخصی باعث شد که او در وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کنونی ایران نقشی تا این حد مهم بیافریند.

هاشمی ادامه سنت متداول در حوزه‌های شیعی نبود

اهم این ویژگی‌های بدین قرار است: نوجویی و نوگرایی: آقای هاشمی، ادامه سنت متداول در حوزه‌های شیعی نبود. او، در عین انجام فعالیت‌های متداول طلاب در سطحی مقبول، یعنی اشتغال و اهتمام به درس و بحث و خودسازی اخلاقی و معنوی و تبلیغ و ترویج آموزه‌های اسلامی، می‌کوشید با جهان‌نو و فرآورده‌های فرهنگی و تکنیکی آن هم آشنا شود. این آشنایی بر جهت‌گیری، ارزش‌دآوری و اولویت‌بندی‌های او در زندگی فردی و جمعی تأثیر جدی گذاشت.

شجاعت: فهم نو و متفاوت از خود و جهان پیرامون، نه فقط لزوماً به اقدامات



دیدبان مجلس

قوه قضائیه موظف به ارائه گزارش سالانه از داریی مسئولان به مجلس شد



نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست علنی نوبت عصر امروز (دوشنبه) پارلمان رسیدگی به لایحه برنامه ششم توسعه را ادامه دادند و ماده ۱۳۵ این لایحه را با ۱۴۲ رأی موافق، ۲۰ رأی مخالف و ۶ رأی ممتنع از ۲۱۲ نماینده حاضر در صحن علنی، به تصویب رساندند. به موجب مصوبه مجلس، قوه قضائیه موظف شد از سال اول اجرای برنامه ششم، به طور سالانه گزارش نحوه اجرایی قانون رسیدگی به داریی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۴/۸/۹، شامل تعداد مشمولان این قانون، تعداد افرادی که در اجرای قانون مذکور فهرست داریی خود را تقدیم کرده‌اند و تعداد کسانی که از اجرای تکلیف قانون مذکور استنکاف کرده‌اند و نحوه برخورد با آنها را به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد. عدم اجرای قانون مذکور توسط مدیران و مسئولان مشمول آن قانون و کتمان داریی و عدم ارائه فهرست داریی یا گزارش ناقص آن به قوه قضائیه مستوجب مجازات محکومیت درجه شش از خدمات عمومی و دولتی است. همچنین وکلای ملت ماده ۱۳۳ برنامه ششم را پس از بحث و بررسی با ۱۳۵ رأی موافق، ۱۰ رأی مخالف و یک رأی ممتنع از مجموع ۲۰۸ نماینده حاضر در صحن علنی به تصویب رساندند. طبق مصوبه مجلس در ماده ۱۳۳ برنامه ششم، پس از لازم‌الاجرا شدن قانون برنامه ششم، برای تنظیم و ثبت سند معاملات راجع به انتقال مالکیت اموال غیرمنقول که در رهن بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری قرار گرفته‌اند، اذن مرتزن لازم نیست، لکن این موضوع باید پس از استعلام از بانک و تعیین میزان بدهی توسط سردفتر تنظیم اسناد رسمی به اطلاع منتقل الیه برسد. انتقال مال مذکور نافه حقوق مرتزن در وصول مطالبات خود از محل مال مرهون در صورت عدم پرداخت دین در مهلت مقرر نخواهد بود.

واکنش روز

چرا یک قاضی جرأت می‌کند چنین حکمی به خبرنگاری بدهد؟



«در جامعه‌ای که از کله‌همه‌ما به‌خاطر شنیدن اخبار فساد مالی اسکناس سبزی می‌شود، جوان خبرنگاری را به‌خاطر یک اشتباه شلاق می‌زند؛ که به چه برسیم؟ که من روزنامه‌نگار دلم بلرزد که قلم را بگذارم زمین و بروم دنبال کار دیگر؟!» اینها سخنان علی اکبر قاضی زاده، روزنامه‌نگاری قدیمی است که پس از شنیدن خبر شلاق خوردن یک خبرنگار بخاطر اشتباهی که انجام داده عنوان می‌شود. قاضی‌زاده سپس ادامه می‌دهد، «ما روزنامه‌نگاران اصلاً قدرتی نداریم و فقط روی تیغ و طناب حرکت می‌کنیم. فرض کنیم که اصلاً آن خبرنگار به‌عمد این خبر را منتشر کرده باشد، چرا یک قاضی جرأت می‌کند چنین حکمی به خبرنگاری بدهد؟ و چرا در آن منطقه کسی بلند نمی‌شود بگوید که این

کار را نکنید، زشت است!» او افزود، «در جامعه‌ای که از کله‌همه‌ما به‌خاطر شنیدن اخبار فساد مالی اسکناس سبزی می‌شود، جوان خبرنگاری به‌خاطر یک اشتباه شلاق زده می‌شود؛ که به چی برسیم؟ که من روزنامه‌نگار دلم بلرزد که قلم را بگذارم زمین و بروم دنبال کار دیگر؟ که دیگر این فکر را می‌کنم. این کار به این معناست که شما محیط شفاف یک جامعه را می‌گیرید تا آسایش یک عده آدم سوءاستفاده‌چی را فراهم کنید. از آن طرف هم نه یک جامعه مطبوعاتی داریم، نه اتحادیه‌ای داریم، نه انجمنی و نه حداقل خودمان به داد خودمان می‌رسیم. سوال من اینجاست که ما روزنامه‌نگارها هنوز زنده‌ایم؟» گفتنی است مدتی پیش، خبرنگاری در شهر نجف‌آباد تعداد موتور سیکلت‌های توقیف شده یک هنرستان را اشتباه عنوان کرد؛ این اشتباه با شکایت نیروی انتظامی، به صدور ۴۰ ضربه شلاق منجر شده که اجرای این حکم، حواشی و واکنش‌های نسبتاً زیادی را در فضای مجازی و حتی در برخی از رسانه‌های رسمی کشورمان به دنبال داشت.